

آسیب شناسی بازیگران غیردولتی؛ خشونت گرای، زمینه‌ها و راهکارها

کمیل نادری مهدی^۱، سمیه قنبری^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۶/۳۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۵/۱۱

چکیده:

سازمان‌های غیردولتی یا سازمان‌های مردم نهاد «NGO» به عنوان سازمان‌های مستقل از دولت، غیرانتفاعی و اعضا خودجوش و مردمی امروزه سهم مهمی در ایفای نقش در حوزه‌های مختلف حقوقی، سیاسی، اقتصادی، زیست محیطی، فرهنگی و ... دارند به طوری که این نهادها اجزاء اصلی جامعه مدنی را تشکیل داده و ابزارهایی برای تقویت موقعیت ضعیف مردم در برابر نهادهای قدرتمند دولتی محسوب می‌شوند. به رغم این اهمیت، سازمان‌های غیردولتی در برخی جوامع یا اساساً شکل نمی‌گیرند یا در صورت تشکیل، در انجام وظایف و اثرگذاری خویش چندان کارآمد نیستند و در برخی موارد ضررها و آسیب‌های عمده‌ای به دنبال دارند، تا جایی که در برخی موارد از دایره تعریف مذکور خارج می‌شوند. این مقاله به روش توصیفی - تحلیلی یکی از مهم‌ترین آسیب‌های بازیگران غیر دولتی یعنی خشونت‌گرایی را مورد بررسی قرار می‌دهد، بدین صورت که ابتدا به معرفی و علل شکل‌گیری دو مورد از مهم‌ترین سازمان‌های خشونت‌گرا یعنی سازمان‌های ایدئولوژی محور نظیر القاعده و سازمان‌های چریکی مارکسیستی نظیر مجاهدین خلق ایران پرداخته و سپس راهکارهایی برای جلوگیری از خشونت‌گرایی در این سازمان‌ها و همچنین جلوگیری از وارد کردن صدمه به جامعه توسط این سازمان‌ها ارائه می‌دهد.

واژگان اصلی: بازیگران غیردولتی، خشونت گرای، تکفیر، جدایی طلبی.

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد علوم سیاسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

komeilnaderi7@gmail.com

۲. استادیار گروه علوم سیاسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

مقدمه

هرچند سازمان‌های غیردولتی^۱ به عنوان پدیده‌هایی جدید فعالیت‌های خود را عمدتاً از سال ۱۹۸۰ آغاز کرده‌اند (فاخری، ۱۳۹۳: ۶۶) اما به واسطه نقش مهمی که در حوزه‌های مختلف اجتماعی، حقوقی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی ایفا نموده‌اند به سرعت در جوامع، گسترش یافته و امروزه به عنوان اصلی‌ترین اجزاء جامعه مدنی بستر مناسبی را برای مشارکت همه اعضای جامعه در امور سیاسی و همکاری جامعه بین الملل فراهم کرده‌اند. سازمان‌های غیردولتی به دلیل مستقل بودن از دولت و نبود بوروکراسی عظیم دولتی در آن‌ها این فرصت را در اختیار افراد جامعه قرار می‌دهند که به دور از هیاهوهای سیاسی و پرهیز از هر نوع دیوان‌سالاری و روابط آمر و مأموری اهداف مورد نظر خود را در جامعه محقق سازند. از سوی دیگر، امروزه گسترش دموکراسی به عنوان شیوه مطلوب حکومت در دنیا جایی برای اشکال سنتی حکومت نظیر استبدادی و موروثی باقی نگذاشته‌است که همین عامل نیز باعث اعطای حق اعتراض مضاعف به مردم در برابر حکومت شده که در صورت شدت یافتن آن موجب تقابل مردم و دولت و تشکیل سازمان‌های مردمی خشونت‌گرا می‌شود. بازیگران غیر دولتی خشونت‌آمیز^۲ پدیده‌ای جهانی بوده که اغلب کشورها اشکال مختلفی از آن را تجربه کرده‌اند. این بازیگران در ابتدا به عنوان یک NGO فعالیت خود را شروع کرده و به دنبال ارائه خدمات به مردم، کمک به دولت‌ها در جهت گسترش عدالت، مبارزه با استعمار، تبلیغ دین و ... بودند ولی با گذر زمان و تعارض منافع با دولت‌ها رویکردی خشونت‌آمیز پیدا کردند. سازمان‌های جهادی سلفی نمونه‌ای از آن‌هاست که هم‌اکنون منطقه خاورمیانه شاهد حضور گسترده این بازیگران می‌باشد بطوریکه از دهه ۱۹۷۰ میلادی با شکل‌گیری سازمان‌های جهادی سلفی اغلب کشورها و جوامع این منطقه تحت تاثیر اقدامات آن‌ها قرار گرفتند. پس از انقلاب‌های سال ۲۰۱۱ در کشورهای عربی موسوم به «بیداری اسلامی» نیز تعداد این سازمان‌های خشونت‌گرا افزایش یافت که از جمله دلایل آن می‌توان به کاهش قدرت مرکزی و نهادهای دولتی در بسیاری از کشورهای عربی اشاره کرد، بطوریکه براساس گزارش سال ۲۰۱۸ که توسط دانشگاه مریلند منتشر شد تعداد سازمان‌های جهادی سلفی در جهان عرب بین سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۸، ۵۸ درصد افزایش یافته است (Global

¹ Non-Governmental Organizations (NGOs)

² violent non-state actors (VNSAS)

2: Terrorism Database at the University of Maryland, 2018). دیگر سازمان‌هایی که با اقدامات خشونت‌آمیز خود جوامع را تحت تاثیر قرار داده اند سازمان‌های جدایی طلب یا تجزیه طلب هستند که هرگونه خشونت و اقدامات تروریستی را در راه تشکیل دولت-ملت مختص به خود توجیه می‌کنند. عمده این سازمان‌ها مربوط به اقلیت‌ها می‌باشد، یا اقلیت‌های قومی و یا مذهبی که در صورت مشاهده نارضایتی از دولت مرکزی و یا تقویت حس ناسیونالیستی، این ظرفیت در آن‌ها وجود دارد که خواهان جدایی شده و به مقابله با دولت به‌پاخیزند. به دلیل اهمیت این موضوع در حفظ امنیت ملی کشورها و حفظ جان شهروندان جا دارد که موضوع خشونت‌گرایی در سازمان‌های مردم‌نهاد مورد واکاوی و ارائه راهکار جهت حل این معضل قرار بگیرد. این مقاله به روش توصیفی-تحلیلی ابتدا این پرسش را مطرح می‌کند که دلایل و زمینه‌های شکل‌گیری دو نوع سازمان مذکور (سازمان‌های ایدئولوژی‌محور نظیر القاعده و سازمان‌های جدایی طلب نظیر حزب دموکرات کردستان) چیست و سپس راهکارهایی جهت جلوگیری از اتخاذ رویکرد خشونت‌آمیز در آن‌ها و همچنین راهکارهایی جهت مقابله با آن‌ها در ضربه زدن به جامعه ارائه می‌دهد، ابتدا راهکارهایی فرهنگی نظیر آموزش و پرورش صحیح کودکان در معرض فرهنگ خشونت‌گرایی، پاسخ به شبهات فکری، تقویت حس میهن پرستی و تقویت دینداری و معنویت‌گرایی و راهکارهایی سیاسی-اجتماعی نظیر رفع تبعیض و بی‌عدالتی، اتحاد و همبستگی، مشارکت سیاسی همه اقلیت‌ها و مذاهب در بدنه حاکمیت و دشمن‌شناسی و خنثی‌سازی توطئه‌های آن‌ها.

۱- پیشینه پژوهش

پیش از این مقالات گوناگونی در زمینه سازمان‌های مردم‌نهاد منتشر شده است که در اغلب موارد ناظر به ۳ موضوع می‌باشند، اول: نقش این سازمان‌ها در فرایند جهانی شدن. به عنوان نمونه، مهدی فاخر در مقاله «بازیگران ملی و فراملی در روند جهانی شدن» از مهم‌ترین عوامل جهانی شدن و کم‌رنگ شدن مرزها را گسترش سازمان‌های مردم‌نهاد در نتیجه گسترش دموکراسی به عنوان شیوه مطلوب حکومت دانسته است. دوم: مزایای این سازمان‌ها در حل مشکلات اجتماعی، حق نظری و همکاران در مقاله‌ای تحت عنوان «نقش مشارکت‌های نهادهای مردمی در پیشگیری اجتماعی از جرم» با روش پیمایشی و ابزار پرسش‌نامه به این نتیجه رسیده‌اند که مشارکت‌های فرهنگی و اقتصادی سازمان‌های مردم‌نهاد

موجب کاهش جرائم شده و ارتباط بهتری بین پلیس و مردم به وجود می‌آورد. سوم: موانع فعالیت پیش روی این سازمان‌ها در کشورهای در حال توسعه، واعظی و صادقی در مقاله «موانع و کارآمدی سازمان‌های غیردولتی در ایران» فقدان قانون مصوب مجلس را یکی از نارسایی‌های این سازمان‌ها در ایران می‌دانند و معتقد هستند این‌نامه نمی‌تواند اطمینان دهنده حقوقی به فعالیت سمن‌ها باشد. از جمله نارسایی‌های غیرحقوقی نیز می‌توان به عدم دسترسی به اطلاعات و منابع مالی مورد نیاز، نگاه امنیتی و عدم آشنایی افراد جامعه با نحوه حضور و فعالیت در این سازمان‌ها اشاره کرد. همان‌طور مشاهده می‌شود مقالات فوق به آسیب‌هایی که سازمان‌های مردم‌نهاد را تهدید می‌کنند نپرداخته‌اند، خشونت‌گرایی و تجزیه‌طلبی ۲ مورد از آسیب‌هایی هستند که باعث انحراف بعضی از سازمان‌های مردم‌نهاد شده و آن‌ها را از مسیر اصلی خود یعنی خدمات عام‌المنفعه و پیشرفت کشور خارج کرده است، تا جایی که چه بسا آن‌ها را از دایره تعریف سازمان‌های مردم‌نهاد بیرون رانده باشد.

۲- مبانی نظری

محدوده فعالیت سازمان‌های غیردولتی بسیار متنوع است و این مسئله ارائه تعریفی جامع و مانع از این نهادها را دشوار می‌سازد (Vakil, 1997: 33). با این حال می‌توان بر طبق خصوصیات مشترک این سازمان‌ها تعریفی مناسب از آنها ارائه کرد. به طور کلی مهم‌ترین شاخصه‌های سازمان‌های غیردولتی عبارتند از:

- **ویژگی اعضای تشکیل دهنده آن:** سازمان‌های غیردولتی از اشخاص حقیقی و حقوقی خصوصی تشکیل می‌شوند، این افراد هیچ‌گونه وابستگی دولتی نداشته و کارمند دولت نیستند. همچنین عضویت افراد در آن‌ها به صورت داوطلبانه و خودجوش است.
- **استقلال از نفوذ دولت و وابستگی به آن:** از جمله مهم‌ترین وجه تمایز سازمان‌های غیردولتی از دیگر سازمان‌ها استقلال از نفوذ و وابستگی به آن است. این سازمان‌ها به صورت خودجوش از بطن جامعه رویش پیدا کرده و سلسله مراتب مختص به خود را دارند، در نتیجه فاقد بوروکراسی دولتی هستند. به دلیل ماهیت داوطلبانه بودن و همچنین نبود سیستم اداری دولتی در این سازمان‌ها، وجود حس تعاون و تعامل میان اعضای آن‌ها در راه یک هدف مشترک بسیار پررنگ است بطوری‌که این حس همکاری و همدلی زمینه کار گروهی و سازمان‌یافته اعضای سازمان را برای دستیابی به اهداف مشترک فراهم می‌آورد.

- **گسترده‌گی حوزه فعالیت سازمان‌های غیردولتی:** حوزه فعالیت سازمان‌های غیردولتی از چند جهت می‌تواند گسترده باشد: از یک سو محدوده فعالیت آن‌ها می‌تواند در سطح داخلی، منطقه ای و یا بین‌المللی باشد و از سوی دیگر، حوزه فعالیت آن‌ها در سطح داخلی هم گوناگون بوده و زمینه‌های مختلف اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، حقوقی، اقتصادی، ورزشی و ... را شامل می‌شود. اما نکته مهم درباره حوزه فعالیت این سازمان‌ها این است که تمام فعالیت‌های آنها باید در چهارچوب قانون کشور باشد و لذا حق انجام اقدامات غیرقانونی نظیر جنگ بر سر کسب قدرت سیاسی، تغییر حکومت، جاسوسی و ارسال اطلاعات حساس کشور به بیگانگان و ... را ندارند.
 - **عام‌المنفعه و غیرانتفاعی بودن فعالیت‌ها:** اعضای یک سازمان غیردولتی نباید به دنبال دستیابی به منفعت مادی و تقسیم آن بین خود باشند که همین امر آن‌ها را از شرکت‌های چندملیتی و تجاری متمایز می‌کند، ولی این بدین معنا نیست که این سازمان‌ها اجازه هیچگونه فعالیت سودآوری را نداشته‌باشند، بدلیل اینکه اولاً: منظور از غیرانتفاعی بودن این سازمان‌ها آن است که هدف اصلی اعضا نباید کسب سود باشد بنابراین کسب سود و فعالیت اقتصادی می‌تواند یک هدف فرعی محسوب شود بدون آن‌که به غیرانتفاعی بودن سازمان خللی وارد سازد؛ ثانیاً: بدلیل اینکه سازمان‌های غیردولتی از دولت مستقل بوده و بودجه‌ای دریافت نمی‌کنند در صورت محروم شدن از هرگونه فعالیت اقتصادی قادر به ادامه حیات نخواهند بود لذا باید از محل‌های قانونی مختلف مثل گرفتن حق عضویت از اعضا و یا درآمد حاصل از انجام فعالیت‌های آموزشی و پژوهشی درآمد مورد نیاز خود را تأمین کنند.
- اکنون با توجه به ویژگی‌هایی که برای سازمان‌های غیردولتی بیان شد می‌توان این تعریف را برای سازمان‌های مورد بحث ارائه کرد: سازمان‌های غیردولتی سازمان‌هایی هستند که از دولت و کنترل مستقیم آن مستقل بوده، به ابتکار و بر مبنای اراده آزاد و مشارکت خودجوش افراد خصوصی در چهارچوب قانون کشور تشکیل شده و بدون قصد سودجویی، دارای اهداف عام‌المنفعه بوده و قابلیت فعالیت در حوزه‌های گوناگون را دارا می‌باشند (Wellard & Copestake, 1993: 78). یکی از آسیب‌هایی که این بازیگران غیردولتی را تهدید کرده و به زعم عده‌ای از اندیشمندان باعث خروج آن‌ها از تعریف اصطلاح سازمان‌های مردم‌نهاد می‌شود، گرایش به اقدامات خشونت‌آمیز بر علیه دولت و مردم برای دستیابی به اهداف خویش می‌باشد. برای تعریف مفهوم «بازیگران غیردولتی خشونت‌گرا» همان‌گونه که در تعریف مفهوم سازمان مردم‌نهاد گفته‌شد، به دلیل تنوع این بازیگران غیردولتی از نظر ماهیت، اهداف، ایدئولوژی و رابطه با دولت و جامعه، تعریف واحدی از این مفهوم وجود ندارد ولی

به‌طور کلی می‌توان گفت که مفهوم بازیگران غیردولتی خشونت‌آمیز به سازمان‌هایی اطلاق می‌شود که شامل موارد زیر باشد: ۱- عنصر سازمان: به معنای داشتن نام خاص، ساختار سازمانی (سلسله‌مراتبی یا شبکه‌ای) و یک نوع رهبری. ۲- حیطه عملیاتی خارج از کنترل دولت: از آنجایی که این سازمان‌ها اغلب در تقابل با دولت هستند، در بعضی موارد قسمت‌هایی از قلمرو دولت را کنترل کرده و اختیارات خود را در آن منطقه اعمال می‌کنند. ۳- استفاده از زور برای رسیدن به اهداف: اهداف بازیگران غیردولتی ممکن است سیاسی، اقتصادی، مالی و یا ترکیبی از آن‌ها باشد و چون دولت را مانع تحقق آن‌ها می‌بینند اغلب به تقابل خشونت‌آمیز با آن روی می‌آورند. ۴- برخورداری از استقلال در عملیات نظامی، سیاست‌ها و منابع مالی از دولت‌ها: مسئله استقلال در اینجا نسبی است زیرا ممکن است در بعضی موارد دولت‌های بیگانه به صورت پنهانی یا عمومی از این نوع بازیگران پشتیبانی کنند تا به اهداف خاص خود برسند. (Yesiltas and Kardas, 2018: 6-8).

۳- طبقه بندی بازیگران غیر دولتی خشونت گرا

همانطور که گفته شد بدلیل تنوع بازیگران غیر دولتی خشونت‌گرا، محققان تلاش زیادی برای طبقه‌بندی این بازیگران انجام داده‌اند. این تلاش‌ها براساس معیارهای مختلفی از جمله ایدئولوژی، اهداف، استراتژیها، قابلیت‌های نظامی، روش‌های استخدام و منابع تأمین اعتبار صورت گرفته‌است. براساس آخرین دستاوردها برای طبقه‌بندی بازیگران غیردولتی، ایزرو^۱ آن‌ها را در پنج گروه قرار داد: شورشیان، سازمان‌های تروریستی، جنگ سالاران و سرقت‌گران، بازیگران جرایم سازمان‌یافته، باندها و شرکت‌های امنیتی خصوصی (Ezrow, 2017: 43). علی‌رغم تنوع این بازیگران مقاله حاضر بر روی ۲ مورد از مهم‌ترین بازیگران غیردولتی خشونت‌گرا در سطح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی متمرکز خواهد شد: اول، سازمان‌های ایدئولوژی‌محور همانند القاعده و مجاهدین خلق ایران و دوم، سازمان‌های جدایی طلب مثل حزب دموکرات کردستان.

۳-۱ سازمان‌های ایدئولوژی‌محور

واژه «ایدئولوژی» به معنای عام که مترادف با مکتب نیز می‌باشد به نظام متشکل از جهان‌بینی (هست و نیست‌ها) و ملکات اخلاقی (بایدها و نبایدها) گفته می‌شود که سعادت و نحوه رسیدن به آن

^۱ Ezrow

نیز در این نظام تعریف می‌شود (شهید مطهری، ۱۴۰۲: ۵۵). منظور از سازمان‌های ایدئولوژی محور خشونت‌گرا آن دسته از سازمان‌هایی است که ارتکاب به اقدامات خشونت‌آمیز برای دستیابی به اهداف توسط ایدئولوژی آن‌ها توجیه شده و نه تنها خشونت تقبیح نمی‌شود بلکه وعده پاداش دنیوی و اخروی به کسانی که این اقدامات را انجام می‌دهند داده می‌شود، لذا فعالیت‌ها و اقدامات افراد سازمان در جهت منافع و اهدافی است که در ایدئولوژی آن‌ها تعریف شده‌است. با توجه به وجود ایدئولوژی‌های مختلف در جهان و خشونت‌گرا بودن برخی و مسالمت‌آمیز بودن برخی دیگر، در این مقاله به مهم‌ترین سازمان‌های ایدئولوژی محور خشونت‌گرا پرداخته می‌شود که نقش عمده‌ای در تحولات کشورها و زندگی مردم داشته‌اند یعنی سازمان‌های جهادی سلفی و سازمان‌های چریکی مارکسیستی.

۱-۱-۳ سازمان‌های جهادی سلفی: منظور از سلف یا سلفی‌گری در اسلام، دیدگاهی

رادیکال و خشن در میان برخی پیروان اهل سنت است که معتقد به ضرورت بازگشت به اندیشه و رفتار پیشینیان و به عبارت دقیق‌تر، سلف صالح یعنی پیامبر گرامی اسلام (ص)، اصحاب ایشان، تابعین و تابعین تابعین است. از دیدگاه سلفیه، با توجه به ایجاد برخی بدعت‌ها و تحریف‌ها در تاریخ اسلام و مشکلات ناشی از آن برای مسلمانان، راه نجات و رهایی از وضعیت کنونی، تمسک به قرآن و سیره سلف صالح و پاک کردن جامعه اسلامی از رفتارهای غیراسلامی است. ویژگی‌های خاص سلفی‌ها از جمله ظاهرگرایی، نص‌گرایی، تاکید خاص بر بدعت‌زدایی از دین، تعطیلی عقل و عدم حجت بودن آن و در نهایت، تکفیر سایر مذاهب سبب این شده است که سلفیون صرفاً خود را مالک حق دانسته و سایر مذاهب اسلامی را باطل و کافر بدانند (میرزایی و همکاران، ۱۴۰۱: ۲۹). این سازمان‌ها در ابتدا به عنوان یک سازمان مردم‌نهاد کار خود را شروع کرده و به دنبال کمک به دولت مرکزی جهت مبارزه با استعمار خارجی، ایجاد جامعه اسلامی و تبلیغ اسلام اصیل بودند ولی دیری نپایید که تنها راه دستیابی به اهداف ذکر شده را جهاد علیه مخالفین از جمله دولت‌های مستقر و سرنگونی آن‌ها و سپس به دست گرفتن قدرت دانستند.

- پیشینه و نحوه شکل‌گیری اندیشه سلفی جهادی: اندیشه‌های مؤسس مذهب چهارم اهل سنت، احمدبن حنبل (۲۴۱-۱۶۴ ه.ق) مبنی بر ظاهرگرایی، عدم راه دادن عقل در تفسیر و تاویل قرآن و نفی هر گونه روش متفاوت را باید نقطه شروع سلفی‌گری دانست. پس از احمدبن حنبل، سلفی‌گری را باید میراث دار اندیشه‌های احمدبن عبدالحلیم بن تیمیه حرانی معروف به ابن تیمیه (۷۲۸-۶۶۱ ه.ق) دانست. او به تندی و با همان نگرش ظاهرگرایانه و نص‌گرایانه، اعتقادات مخالفین خود خصوصاً شیعیان را به

چالش می‌کشید و از امور و شئونی نظیر عصمت، غیبت، تقیه، زیارت، توسل و امامت به شدت انتقاد می‌کرد؛ انتقاداتی که امروزه نیز دستاویز جریان‌های سلفی و نوسلفی است و ابن تیمیه را به پدر معنوی بنیادگرایان سنی تبدیل کرده است. (علیپور و دیگران، ۱۳۹۲: ۴۳). پس از ابن تیمیه، محمدبن عبدالوهاب (۱۲۰۶-۱۱۱۵ ه.ق) که خود را پیرو او می‌دانست دیدگاه جدیدی در مذهب سنی حنبلی مبتنی بر نظرات ابن تیمیه بنیانگذاری کرد که بعدها به نام وهابیت معروف شد. آنچه که به تقویت و توسعه اندیشه‌های محمدبن عبدالوهاب کمک کرد قدرت سیاسی حاکم بود. محمدبن عبدالوهاب شیعه ستیزی تمام عیار بود لذا پس از کسب قدرت از طریق هم پیمانان شیعه ستیز خود مثل محمدبن سعود، پیروان وهابی وی به شهرهای شیعه‌نشین در عراق حمله برده و در سال ۱۲۱۶ هجری قمری به قتل عام هزاران نفر و غارت و تخریب حرم ابا عبدالله (ع) اقدام کردند. جریان سلفی‌گری سنی پس از ابن حنبل، ابن تیمیه و ابن عبدالوهاب به محمدرشیدرضا (۱۹۳۵-۱۸۶۵م) که اندیشمندی اصلاح طلب در مصر بود رسید. رشیدرضا تحت تاثیر محمدبن عبده که خود متأثر از جنبش اصلاح دینی سیدجمال‌الدین اسدآبادی بود در ابتدا خواهان اصلاح دینی برای تقابل با ورود اندیشه مدرن غربی بود اما مدت زیادی نگذشت که در پیش گرفتن سنت سلف صالح را کارآمدتر از اصلاح دینی یافته و با رویگردانی از سیدجمال‌الدین اسدآبادی و محمدعبده، شیفته ابن تیمیه و ابن عبدالوهاب شد (گل محمدی، ۱۳۹۱).

- **اندیشه سلفی جهادی در عصر حاضر:** با فروپاشی خلافت عثمانی، جنبش‌های اسلامی متعددی برای احیای مجدد خلافت اسلامی شکل گرفت که البته در اوایل امر در عرصه اندیشه و در حد دغدغه‌های فکری متوقف ماندند. با عدم تحقق رویای استمرار خلافت عثمانی، جنبش‌ها و نهضت‌های جدیدی در قالب‌های سلفی و به دنبال اندیشه‌های محمدعبده شکل گرفتند که در تقابل با استعمار بیگانگان و حکومت‌های دست‌نشانده و غریزه، بر آن شدند تا آموزه‌های صدر اسلام را با ساماندهی مجدد به نظام نوین خلافت تبدیل کنند. از نظر آنان، راه‌حل مشکلات جهان اسلام، بازگشت به اسلام اصیل است و این امر با کنار زدن جوامع جاهلی و مذاهب انحرافی، تغییر سبک زندگی مدرن غربی، مبارزه با استعمارگران و استقرار مجدد خلافت بزرگ اسلامی میسر می‌شود (غفاری و علیزاده، ۱۳۹۳: ۹۲). بر این اساس، این اندیشه‌ها به سراسر جهان اسلام تسری پیدا کرد و موج جدید جنبش‌های سلفی خلافت خواه همانند اخوان المسلمین در مصر و طالبان و القاعده در افغانستان شکل گرفتند. در عصر حاضر، ایدئولوژی سلفی جهادی با آرمان تشکیل خلافت یکپارچه اسلامی از طریق تکفیر و از بین بردن همه مخالفین اعم از خارجی و داخلی، الهام‌بخش بسیاری از سازمان‌های خشونت‌گرا

مانند القاعده و داعش در آغاز قرن ۲۱ بوده است. سازمان‌های سلفی امروزی تنوع و حتی تضاد زیادی با یکدیگر دارند چنانچه برخی صرفاً درصدد تغییر نظام سیاسی در یک کشور اسلامی هستند (مانند جیش الاسلام که به دنبال سرنگونی نظام سوریه است) در حالی که برخی دیگر مثل القاعده و داعش رویای تشکیل خلافت یکپارچه اسلامی را دارند.

اکنون این سوال مطرح می‌شود که چگونه ممکن است آموزه‌های پیامبری که برای همه جهانیان رحمت و برکت است و همچنین کتاب خدا، قرآن کریمی که مایه سعادت بوده و اصلاح رفتار انسان و خیر و صلاح او در آن است تبدیل به عامل محرکی برای قتل عام انسان‌های بی‌گناه و جنایات هولناک شود؟ در پاسخ باید گفت نیرویی که تکفیریان را به انجام اقدامات تروریستی سوق می‌دهد درک غلطی از آرمان شهادت و فداکاری در راه اسلام به دلیل همان نگرش‌های ظاهرگرایانه است. دیگر عامل مهم گسترش اندیشه تکفیری جهادی، استفاده ابزاری دشمنان اسلام نظیر صهیونیسم جهانی در جهت ایجاد تفرقه در جهان اسلام و دستیابی به منافع خود است. در قسمت بعد به راهکارهای جلوگیری از گسترش اندیشه تکفیری جهادی پرداخته خواهد شد.

۲-۱-۳ راهکارهای مقابله با سازمان‌های سلفی جهادی: طبق آنچه گفته شد در مواجهه با جریانات سلفی جهادی در دو حوزه چالش وجود دارد، اول حوزه فکری-عقیدتی و دوم حوزه اخلاقی-رفتاری. هر کدام از این حوزه‌ها راهکارهای مربوط به خود را می‌طلبند، راهکارهای فرهنگی مربوط به حوزه اول و راهکارهای سیاسی-اجتماعی مربوط به حوزه دوم است.

• اول: راهکارهای فرهنگی

- **تقریب مذاهب اسلامی:** تقریب مذاهب به معنی گفت‌وگو و نزدیک‌سازی هر چه بیشتر نظرات فقهی و کلامی در جهت حل اختلافات و سوء برداشت‌هاست. تقریب مذاهب به مذاهب اسلامی کمک می‌کند تا با استفاده از زبان و منطق و نه زور و خشونت، پیام و گفتمان خود را منتشر کرده و در یک محیط فکری با نظرات و انتقادات مواجه شوند، این امر باعث ورود نخبگان جهان اسلام به عرصه گفت‌وگو می‌شود به گونه‌ای که علی‌رغم اختلافات مذهبی، نوعی همکاری مسالمت‌آمیز بین مسلمین شکل می‌گیرد که اولاً باعث شناخت دقیق‌تر نسبت به یکدیگر و رفع سوء برداشت‌ها شده و دوماً موجبات تعامل و نزدیکی با یکدیگر را فراهم می‌کند. از مهم‌ترین ظرفیت‌ها برای ایجاد تقریب مذاهب، فریضه حج است که می‌تواند باعث از بین رفتن بیگانه‌پنداری مسلمین نسبت به یکدیگر، تبادل فرهنگ سازنده و همچنین اخوت و برادری با یکدیگر شود (پایگاه حفظ و نشر آثار آیت الله خامنه‌ای،

۱۳۹۲). یکی دیگر از ظرفیت‌هایی که برای تقریب مذاهب وجود دارد «مجمع جهانی تقریب مذاهب» می‌باشد که در سال ۱۳۶۹ش به دستور مقام معظم رهبری تاسیس شد. اهدافی که این سازمان دنبال می‌کند عبارتند از: ۱- احیاء و گسترش فرهنگ اسلامی و دفاع از قرآن و سیره نبوی. ۲- آشنایی و نزدیکی هر چه بیشتر اندیشمندان اسلامی در زمینه‌های فقهی، کلامی، سیاسی و گسترش اندیشه همکاری و تعامل. ۳- تحکیم و ترویج اصل اجتهاد. ۴- هماهنگی و ایجاد جبهه واحد در برابر توطئه‌های دشمنان اسلام. ۵- رفع بدبینی، سوء برداشت‌ها و شبهات بین پیروان مذاهب (وبسایت تقریب مذاهب، ۱۳۹۸).

- بازگشت به قرآن و بهره‌گیری از نیروی خرد و اندیشه برای فهم آن: یکی از راهکارهای مهم برای مقابله با اندیشه سلفی (چنان که گفته شد مبتنی بر ظاهرگرایی و همچنین ترجیح نقل بر عقل در برداشت از قرآن است) تفسیر و تاویل قرآن کریم با میزان عقل و اندیشه و استفاده از برهان و استدلال در فهم آن است. مقام معظم رهبری در این باره می‌فرماید: «ما مسلمان‌ها باید قرآن را، اسلام را درست بفهمیم و با میزان عقل و خرد خودمان و با راهنمایی اندیشه‌ی بشری و اسلامی، به اعماق تعالیم پیامبر اسلام و این پیام‌ها برسیم. وقتی از پیام اسلام غفلت کردیم که قرآن می‌فرماید: «وَقَالَ الرَّسُولُ يَا رَبِّ اَنْ قَوْمِي اتَّخَذُوا هَذَا الْقُرْآنَ مَهْجُورًا»، وقتی قرآن را مهجور کردیم و به مفاهیم آن که مجموعه کامل برای زندگی انسانی است درست توجه نکردیم، لغزش پیدا می‌کنیم و نیروی فکر ما هم نمی‌تواند درک درستی از تعالیم قرآن بدست آورد (پایگاه حفظ و نشر آثار آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۹۳).

- آموزش و پرورش صحیح کودکان: با توجه به اینکه جرایم منتج از ایدئولوژی‌هایی نظیر تکفیر و مارکسیسم ناشی از منویات درونی است و محرک آن‌ها جهت اقدامات خشونت‌گرا، مکتب و ایدئولوژی آن‌ها می‌باشد، پیشگیری‌های وضعی و برخورد‌های حقوقی-کیفری موثر نخواهد بود، شاهد این موضوع مجازات‌های سختی است که علیه مرتکبان اعمال تروریستی در کشورهای مختلف انجام می‌شود ولی از حجم این امور تروریستی کاسته نمی‌شود (اصغری و روستائی، ۱۳۹۵: ۲۱۴). شاهد دیگر، عملیات‌های انتحاری اعضای سازمان‌های سلفی جهادی و یا خوردن سیانور و خودکشی اعضای سازمان‌های چریکی مارکسیستی حین دستگیری است که نشان از ایمان راسخ اعضاء به آموزه‌های مکتب و جان‌فشانی در راه آن‌هاست، لذا یکی از مهم‌ترین راه‌های مقابله با این نوع خشونت‌گرایی، تربیت درست فرد در سنین کم و اصلاح فکر و اخلاق اوست، بطوریکه آموزش و

پرورش درست، موثرترین راه پیشگیری از بزهکاری اجتماعی، شناخت انگیزه های خشونت گرایان و مهار آن‌ها بوده و تنها در صورت عدم نتیجه دادن آن است که برخورد کیفری و حقوقی موثر خواهد بود. از جمله اقداماتی که می‌توان در این جهت انجام داد: ۱- شناسایی کودکان در معرض خطر اندیشه‌های خشونت‌گرا (مانند فرزندان که در خانواده دارای اندیشه سلفی متولد می‌شوند) و غربال آن‌ها و سپس اصلاح شخصیت، رفع شبهه و تقویت مهارت‌های اجتماعی آن‌ها. ۲- تدوین کتب مدارس به گونه ای که انحرافی و نادرست بودن اندیشه سلفی جهادی و همچنین مضرات فردی و اجتماعی این اندیشه را به خوبی تبیین کرده و پاسخگوی شبهات دانش‌آموزان باشد. ۳- فعالیت تبلیغی و تربیت کارشناس جهت پاسخگویی و رفع شبهات دانش‌آموزان هم به صورت حضوری و ارتباط چهره به چهره و هم به صورت رسانه‌ای از طریق شبکه‌های تلویزیونی و سایت های اینترنتی.

• دوم: راهکارهای اجتماعی - سیاسی

- اتحاد امت اسلام و پرهیز از تفرقه: با توجه به آنچه گفته شد، هدف سازمان‌های سلفی تکفیری ایجاد خلافت یکپارچه اسلامی از طریق حذف مخالفین و ایجاد واگرایی و تفرقه در بین مذاهب اسلامی است، لذا وحدت مذاهب یکی از راهکارهای مهم جهت مقابله با این چالش است (علیرضا دانشیار، ۱۳۹۳: ۹۳). منظور از وحدت، کنار گذاشتن اختلافات جزئی و سلیقه‌ای (نه مبنایی) و همچنین تکیه بر روی مشترکات مذاهب می‌باشد، این امر مورد تاکید خداوند در قرآن نیز قرار گرفته است: «واعتصموا بحبلِ اللهِ جمعیا و لا تفرقوا»^۱ همچنین «ان هذه امتکم امه و حده و انا ربکم فاعبدون»^۲. در این خصوص نقش دانشمندان و نخبگان در هشیار بودن و آگاه سازی امت اسلام بسیار پر رنگ است.

- دشمن شناسی و خشی سازی توطئه آن‌ها: سازمان های سلفی جهادی به عنوان محرک ایجاد تفرقه در جهان اسلام، عامل ایجاد آشوب و سلب امنیت در کشور های اسلامی و همچنین عامل ترویج اسلام هراسی در نزد جهانیان، همواره مورد توجه دشمنان اسلام بوده‌اند که این امر پس از واقعه ۱۱ سپتامبر و تشکیل سازمان القاعده شدت گرفته است. دشمنان اسلام و مخصوصا استعمارگران انگلیسی سابقه‌ای طولانی در تفرقه‌افکنی در مستعمرات خود داشته و سیاست «تفرقه بنداز و حکومت کن»^۳ نیز

^۱ قرآن کریم، سوره شوری آیه ۱۴

^۲ قرآن کریم، سوره انبیاء آیه ۹۲

^۳ Divide and Conquer

برگرفته از همین رویکرد تاریخی آنها می‌باشد. مایکل تی. فلین رئیس سابق آژانس اطلاعات دفاعی پتاگون در یک گفت‌وگوی تلویزیونی با شبکه الجزیره در سال ۲۰۱۵ اعلام کرد که رشد گروه تروریستی داعش نتیجه‌ی حمایت ایالات متحده آمریکا از شورشیان سوری بود که هسته اصلی جنگجویان آن را سازمان القاعده عراق تشکیل می‌دادند (شبکه الجزیره، ۲۰۱۵). در این خصوص رهبر معظم انقلاب به دو راهکار اشاره کرده اند، اول مبارزه با تبلیغات دروغین دشمنان اسلام مبنی بر زشت نشان دادن چهره اسلام و اسلام هراسی از طریق اقدامات سازمان‌های سلفی جهادی، دوم بازگشت به عناصر قدرت که مهم‌ترین آن وحدت و اتفاق است (پایگاه حفظ و نشر آثار آیت الله خامنه ای پایگاه حفظ و نشر آثار آیت الله خامنه ای، ۱۳۹۲).

جرم‌انگاری: بدلیل اینکه تکفیر مقدمه طیف گسترده‌ای از جرایم است اگر در همان ابتدا جلوی آن گرفته نشود نتایج جبران ناپذیری را به همراه خواهد داشت، لذا لازم است که پدیده تکفیر به عنوان یک بزه‌کاری اجتماعی شناخته شده و از طریق قوانین جنایی از آن پیشگیری شود. یکی از راه‌های موثر برای جلوگیری از تبدیل شدن فرد به عامل تروریستی، ورود دستگاه قانون گذاری کشورها و جرم انگاری این موضوع است. از جمله مصادیق قانون گذاری صحیح جهت مقابله با اندیشه تکفیر می‌توان بدین موارد اشاره کرد: ۱- جلوگیری از تاسیس مدارس یا حوزه‌های علمیه که اشاعه‌دهنده تفکر سلفی جهادی هستند. ۲- جلوگیری از تاسیس شبکه‌های تلویزیونی و ماهواره‌ای که به تبلیغ اندیشه‌های تکفیری می‌پردازند. ۳- ممنوعیت ورود افراد دارای اندیشه سلفی تکفیری به سمت‌های حساس دولتی. ۴- عدم اعطای مجوز به تشکیل سازمان‌های مردم نهادی که یکی از شرایط عضویت در آنها داشتن اندیشه سلفی تکفیری باشد. ۵- اعمال مجازات‌های سنگین بر هرگونه اقدامات خشونت آمیز و محل امنیت عمومی.

اجماع جهانی مبنی بر جنگ علیه تروریسم: سازمان‌های جهادی تکفیری یک معضل جهانی هستند که مرزهای بین‌المللی را درنوردیده و کشورهای زیادی را درگیر خود کرده‌اند، به همین دلیل یک اجماع جهانی برای مقابله با آنها لازم است. مجامع جهانی و سازمان ملل متحد می‌توانند به‌طور مؤثری از حقوق بین‌الملل برای مبارزه و مجازات عاملان اقدامات تروریستی تکفیری استفاده کنند زیرا تمامی کنوانسیون‌های ضد تروریسم ضمن دارا بودن مبنای حقوقی مستحکم جهت اقدام علیه اعمال تروریستی، با تشکیل یک نظام اجرایی مؤثر، زمینه اعمال مجازات را نسبت به مجرمان فراهم آورده‌اند، اما این مبنای حقوقی نیازمند اقتداری بیشتر و قلمرویی وسیع تر است تا اقدامات اثر بخشی در ابعاد

گوناگون تروریسم انجام گیرد (کوشا و نمایان، ۱۳۸۷). یکی از ابزارهای مهم حقوق بین الملل، دیوان کیفری بین المللی^۱ است. این دیوان صلاحیت رسیدگی به جنایات بین المللی را داشته و کشورها را ملزم به اجرای مصوبه های خود می کند. بنابراین لازم است که جامعه بین الملل با استفاده از ظرفیت های خود به منظور پیگیری جنبه های حقوق کیفری مقابله با تروریسم و جلوگیری از گسترش حملات تروریستی سازمان های خشونت گرا، آستانه بالایی از همگرایی و توافق را شکل دهند.

۳-۱-۳ سازمان های چریکی مارکسیستی (تروریسم چپ گرا): تروریسم چپ گرا (به انگلیسی: Left-wing terrorism) تروریسمی است که هدف آن سرنگونی سیستم های محافظه کارانه یا سرمایه داری و جایگزینی آن با جوامع مارکسیستی و یا دولت سوسیالیستی است (Brockhoff and others, 2012: 1).

● پیشینه و نحوه شکل گیری سازمان های چریکی مارکسیستی: همان طور که از عنوان این سازمان ها پیداست، گروه های چپ گرا چریکی در همه جای جهان پیرو ایدئولوژی مارکسیسم هستند، مکتبی سیاسی-اجتماعی که توسط کارل مارکس (۱۸۱۸-۱۸۸۳ م) و فردریش انگلس (۱۸۱۸-۱۸۹۵ م) پایه ریزی شد. اساس مارکسیسم آن طور که در «مانیفست کمونیست» بیان شده، بر این باور استوار است که تاریخ جوامع تاکنون تاریخ مبارزه طبقات جامعه با یکدیگر بوده است و در دنیای حاضر دو طبقه بورژوازی (سرمایه دار و استثمارگر) و پرولتاریا (کارگر و استثمار شده) وجود دارند که تقابل و نزاع این دو طبقه، تاریخ را رقم می زند. تقابل بین این دو طبقه و انقلاب کارگری علیه سرمایه داری در نهایت منجر به یک نظام و جامعه جدید می شود که در آن علاوه بر ابزار تولید و منافع اقتصادی، آداب و رسوم، فرهنگ، مذهب، اندیشه و در یک کلام همه چیز نسبت به جامعه قبلی تغییر می کند به گونه ای که دیگر یک طبقه مسلط بر جامعه وجود نخواهد داشت، عدالت برقرار شده و انسان ها به کمون اولیه خود که مالکیت خصوصی وجود نداشت و همه چیز اشتراکی بود بر می گردند (مارکس و انگلس، ترجمه صابری، ۱۴۰۱). منطق اندیشه مارکسیسم یک منطق ماتریالیستی است، دلیل آن اینست که به زعم مارکسیست ها کسانی که به دین یا خدا اعتقاد دارند توانایی خود را نشناخته و مردمی نادان و فرومایه و توجیه گر شرایط بد اجتماعی و اقتصادی خود هستند (مثلا آن را دست تقدیر می دانند و حرکتی در جهت رفع ظلم نمی کنند) به همین جهت چون آگاهی ندارند خاصیت انقلابی هم ندارند و نمی توانند

^۱ International Criminal Court

انقلاب کنند. این سازمان‌ها نیز همانند سازمان‌های جهادی سلفی در ابتدا به عنوان یک سازمان مردم‌نهاد شروع به فعالیت کردند، با هدف کمک به دولت در رفع ظلم و بی‌عدالتی، مبارزه با استبداد داخلی و استعمار خارجی و همچنین ساخت جامعه‌ای آرمانی، ولی پس از تقابل دولت با آن‌ها رویکردی خشونت‌گرا پیدا کرده و خواستار سرنگونی دولت شدند.

● **سازمان‌های چپ چریکی در عصر حاضر:** از زمان سقوط حکومت تزاری روسیه و تشکیل حزب کمونست و به تبع آن، اتحاد جماهیر شوروی، سازمان‌های چریکی مارکسیستی زیادی در دنیا با هدف ایجاد جامعه آرمانی خود یعنی جامعه بدون طبقه و سرنگونی نظام سرمایه‌داری به وجود آمده‌اند که در بعضی از کشورها نظیر ویتنام، چین، نیکاراگوئه و کوبا موفق به سرنگونی نظام سرمایه‌داری و تشکیل نظام کمونیستی - سوسیالیستی شده‌اند و در بعضی دیگر همچنان به فعالیت خود ادامه می‌دهند. در نگاه چریک‌ای مارکسیسم، انجام اعمال خشونت آمیز و نبرد مسلحانه در راه ایجاد جامعه ایده‌آل مارکسیستی عملی موجه در نظر گرفته می‌شود چون خشونت لازمه انقلاب است. یکی از مثال‌های بارز این سازمان‌ها، سازمان مجاهدین خلق ایران است که در ابتدای تاسیس (۱۳۴۴ش) اسلام‌گرا بوده ولی سپس با تغییر ایدئولوژی در سال ۱۳۵۴ش به یک سازمان چریکی مارکسیستی تبدیل شد (جمعی از نویسندگان، ۱۳۵۷). این سازمان در ابتدا با هدف مبارزه با امپریالیسم سرمایه‌داری (آمریکا) و استبداد داخلی (دیکتاتوری پهلوی) شروع به فعالیت کرد ولی در ادامه به دلیل عدم موفقیت در استقرار نظام مطلوب خود یعنی نظام سکولار کمونیستی-سوسیالیستی، دست به اقدامات تروریستی و جنایات هولناک علیه مردم و مسئولین جمهوری اسلامی ایران زد، بطوریکه فقط در سال ۱۳۶۷ طی حمله نظامی که با کمک صدام دیکتاتور عراق جهت سرنگونی نظام جمهوری اسلامی ایران انجام داد (معروف به عملیات مرصاد) تعداد ۱۵۰۳ نفر از مردم به شهادت رسیدند (خبرگزاری ایرنا، ۱۴۰۲).

۴-۱-۳ راهکارهای مقابله با سازمان‌های چریکی مارکسیستی: همانند سازمان‌های جهادی

سلفی برای مقابله با سازمان‌های خشونت‌گرا مارکسیستی در دو حوزه باید اقداماتی انجام داد، حوزه فکری-فرهنگی و حوزه سیاسی-اجتماعی.

● اول: راهکارهای فکری-فرهنگی

- **تقویت دینداری و معنویت‌گرایی:** همانطور که گفته شد، منطق سازمان‌های مارکسیستی یک منطق ماتریالیستی است، بدین معنا که آن‌ها فقط چیزی را که به وسیله قوای حسی به ادراک درآید واقعی می‌شمارند یعنی هر چیزی که دارای طول، عرض و ارتفاع باشد، به همین دلیل موجودات

غیرمادی همانند حق تعالی، فرشتگان و جهان آخرت را انکار می‌کند. مارکسیست‌ها با هر گونه دین و دینداری مخالف بوده و دین را مانع تحقق انقلاب و عامل سکون می‌دانند یا به عبارتی دین را افیون ملت‌ها تلقی می‌کنند (کارل مارکس، ترجمه عبادیان و قاضی مرادی، ۱۴۰۰). این در حالی است که در منابع اسلامی اعم از قرآن، روایات و فلسفه براهین متعدد بر اثبات وجود خداوند و عالم ماوراء ماده اقامه شده است، همچنین تلقی مارکسیست‌ها از افیون و مخدر بودن دین، یا ناظر به ادیان غیر الهی و تحریف شده همچون مسیحیت کلیساست و یا برداشتهای غلط و انحرافی از دین اسلام که لزوم انقلاب علیه حکومت‌های نامشروع و ظالم را نهی می‌کنند، چون در اسلام ناب مسئله انقلاب ذیل حکم امر به معروف و نهی از منکر قرار گرفته و در صورت وجود شرایط، واجب شرعی است. از آنجا که فطرت هر انسانی، خدا جو و طالب ارتباط با حق تعالی و انس با مجردات است^۱، اگر واقعیت دین و دینداری و همچنین فواید معنویت‌گرایی - به عنوان عنصر اصلی دین - برای افراد در معرض شبهات مارکسیستی چه دانش‌آموزان و چه بزرگسالان تبیین شود، تا حد زیادی تفکرات مادی‌گرایانه را از بین خواهد برد. این امر روشنگری و ترویج معنویت‌گرایی ابتدا بر عهده مدارس و دانشگاه‌ها بوده و سپس سایر ابزار رسانه همانند مطبوعات و شبکه‌های تلویزیونی - ماهواره‌ای.

• دوم: راهکارهای اجتماعی-سیاسی

- برقراری عدالت اجتماعی: عدالت اجتماعی به معنای رعایت تناسب، استحقاق‌ها و شایستگی‌ها در ساحت اجتماع است (عبدالرسول بیات، ۱۳۸۶). در این تعریف، هر گروه، صنف و طبقه‌ای باید در جایگاه شایسته خویش جای‌گیرد و در پی جایگاه دیگران نباشد، از طرفی انتظار عدالت از نظام سرمایه‌داری انتظاری بیهوده بوده زیرا ذات سرمایه‌داری تبعیض و بی‌عدالتی است. از جمله مولفه‌های نظام سرمایه‌داری که باعث گسترش بی‌عدالتی در جامعه می‌شود عبارتند از: ۱- در نظام سرمایه‌داری، سود و سرمایه به عنوان ملاک ارزش‌گذاری همه‌چیز حتی انسان‌ها شناخته شده و همه چیز با معیار پول ارزش‌گذاری می‌شود (آجیلی و بیکی، ۱۳۹۲: ۹۳). ۲- در نظام سرمایه‌داری نقش دولت در نظارت بر امور جامعه مخصوصاً در اقتصاد، در حداقل‌ترین حالت ممکن قرار دارد و در حقیقت، این سرمایه‌داران و ثروتمندان هستند که با در دست داشتن ابزار تولید و ایجاد انحصار و در نتیجه از بین بردن فضای رقابت، جامعه را مدیریت می‌کنند و طبیعی است که همه چیز را بر وفق مراد

^۱ قرآن کریم، سوره روم آیه ۳۰

خود رقم زده که این باعث نادیده گرفتن حقوق محرومین و مستضعفین جامعه خواهد شد (شهریار زرشناس، ۱۳۸۹: ۴۸). طبق آنچه پیشتر گفته شد، هدف سازمان‌های چریکی مارکسیستی از اقدامات نظامی بر علیه دولت‌ها، سرنگونی دولت‌های تابع نظام سرمایه‌داری و ایجاد عدالت اجتماعی از طریق تشکیل نظام سوسیالیستی است، بنابراین اگر نظامی عدالت‌محور تشکیل شده و سیاست‌های ضد تبعیض و بی‌عدالتی در جامعه اجرا شود تا حد زیادی از اقدامات تروریستی سازمان‌هایی نظیر چریک‌های مارکسیستی که امنیت جامعه و بقای دولت‌ها را به مخاطره می‌اندازند جلوگیری خواهد شد.

– **جرم‌انگاری:** همانطور که پیشتر در قسمت راهکارهای مقابله با سازمان‌های جهادی سلفی بدان اشاره شد، یکی از راه‌های مقابله با سازمان‌های چریکی مارکسیستی که امنیت و آرامش جامعه را برهم زده و توده مردم را دعوت به قیام مسلحانه می‌کنند ورود دستگاه قانون‌گذاری و برخوردهای سخت حقوقی با هنجار شکنان است. برای مثال یکی از گروه‌های چپ چریکی مارکسیستی که بر علیه نظام تازه تاسیس جمهوری اسلامی ایران و مردم اقدامات تروریستی انجام می‌داد سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران است که در یکی از بیانیه‌های صادره از جانب تئوریسین این سازمان به نام مسعود احمد زاده، به مبارزه مسلحانه به عنوان استراتژی و تاکتیک این سازمان برای رسیدن به اهداف تصریح شده است (جزوه مبارزه مسلحانه، هم استراتژی هم تاکتیک، ۱۳۵۸). دیگر سازمان خشونت‌گرا مارکسیستی، سازمان مجاهدین خلق ایران است که یکی از تاکتیک‌های آن ترور افراد مذهبی در کوچه و خیابان و همچنین مسئولین جمهوری اسلامی ایران بود بطوریکه تعداد زیادی از مسئولین رده بالای کشور از جمله رئیس‌جمهور، شهید رجایی، نخست‌وزیر، شهید باهنر و رئیس دیوان عالی کشور، شهید بهشتی توسط این سازمان ترور شدند. پس از این اقدامات رویکردی که جمهوری اسلامی ایران در قبال این سازمان اتخاذ کرد برخورد پلیسی و تقابل مسلحانه بود که منجر به وارد آمدن تلفات بسیار بر این سازمان شده و آنان ناچار به ترک کشور و انتقال پایگاه خود به کشور عراق شدند. لذا وظیفه دستگاه حقوقی و نظامی کشورهاست که با برخوردهای حقوقی و پلیسی مانع از اقدامات تروریستی این سازمان‌ها علیه مردم شوند.

۳-۲ سازمان‌های جدایی طلب

در ادبیات سیاسی سه اصطلاح خودمختاری^۱، جدایی طلبی^۲ و تجزیه طلبی^۱ هر سه دارای

^۱ Autonomy

^۲ Separatism

قربت معنایی بوده و در طول یکدیگر هستند؛ خودمختاری: به معنی استقلال سیاسی ملت‌ها و عاری بودن آن‌ها از تأثیر خارجی است، همچنین گاهی به معنای استقلال محدود و ملی اقلیت‌های دینی و نژادی در داخل یک کشور نیز به کار می‌رود (روزبه و همکاران، ۱۳۴۰: ۱۱۲). جدایی طلبان: اعضای یک گروه (مذهبی یا قومی) با تمایز فرهنگی، نژادی، سیاسی نسبت به غالب کشور که خواهان جدا شدن از کشور مبداء و تشکیل دولت-ملت مخصوص خود می‌باشند (Beare, 2012: 372). تجزیه طلبی: به معنای خروج و یا جدا شدن از خاک یک کشور که شامل جدایی از جمعیت و قانون حاکم بر آن کشور و تأسیس یک دولت جدید می‌باشد (Pavković, 2015: 4). با توجه به تعاریف فوق خودمختاری یک نوع هدف است که دارای مراحل هست؛ یعنی یک گروه ابتدا باید در درون خود این اعتقاد را به وجود بیاورند که جدا شدن از خاک یک کشور به لحاظ یک سری خواسته‌ها و ویژگی‌ها حق آن‌ها است که این اعتقاد ممکن است در نهایت منجر به خودمختاری محدود یا کامل آن‌ها شود یا حتی به لحاظ عدم توانایی در رسیدن به این دو مرحله آخر در همان مرحله اعتقاد اولیه باقی بمانند؛ اما جدایی طلبی و تجزیه طلبی از نوع هدف نیستند بلکه نوعی اقدام محسوب شده و نقطه مشترک هر دو در رسیدن به خودمختاری است. (حاجی خانی و جلیلیان، ۱۳۹۷: ۴۲).

امروزه یکی از مهم‌ترین سازمان‌های جدایی طلب در هر کشوری سازمان‌های قومیتی هستند، به نظر بورگاتا^۲ (۱۹۹۲) علی رغم اختلاف نظرهایی که بین اندیشمندان بر سر تعریف مفهومی قومیت وجود دارد آنان درباره خصوصیات و شاخص‌های نشان دهنده قومیت به شرح زیر اتفاق نظر دارند: برخوردار بودن اعضای گروه از ریشه جغرافیایی، زبان، مذهب، آداب و رسوم، موسیقی و الگوهای سکونت مشترک، برخوردار بودن از ملاحظات سیاسی یکسان و برخوردار بودن از نوعی احساس تمایز از دیگران. سازمان‌های قومیتی به دلیل دارا بودن ویژگی‌های مذکور به طور عمده دارای پتانسل تجزیه طلبی و تشکیل دولت-ملت مخصوص به خود هستند که در صورت مخالفت کشور مبداء این قابلیت در آن‌ها وجود دارد که تبدیل به سازمان‌های خشونت‌گرا شده و دست به اقدامات مسلحانه بزنند. از جمله این سازمان‌های خشونت‌گرا می‌توان به حزب دموکرات کردستان ایران (مخفف: ح‌کدا) اشاره کرد. این حزب در ابتدا در سال ۱۳۲۴ به رهبری "قاضی محمد" در شهر مهاباد ایران با شعار «

^۱ Secession

^۲ Borgatta

دموکراسی برای ایران و خودمختاری برای گُردستان» اعلان موجودیت کرد اما عمده اقدامات خشونت‌گرای آن مربوط به بعد از انقلاب اسلامی ایران در بهمن ۱۳۵۷ به رهبری "عبدالرحمن قاسملو" در جهت تشکیل دولت دموکراتیک کوردستان متشکل از اقوام کرد ۴ کشور ایران، عراق، ترکیه و سوریه می‌باشد. (سایت کوردستان کرد، ۲۰۱۵). از جمله جنایات این سازمان می‌توان به واقعه کشتار مردم بی دفاع شهر نغده (سولدوز) در ۳۱ فروردین ۱۳۵۸ اشاره کرد (خبرگذاری تسنیم، ۱۳۹۳).

اصطلاح جدایی طلبی امروزه همراه با اصطلاح حق تعیین سرنوشت^۱ نیز مطرح شده و این پرسش را ایجاد می‌کند که آیا این دو اصطلاح ملازم یکدیگر بوده و از مشروعیت برخوردار هستند؟ در سال‌های اخیر این مسئله دستاویز سازمان‌های جدایی طلب شده و به نوعی اقدامات تروریستی خود علیه دولت و مردم را با توسل به داشتن حق تعیین سرنوشت توجیه می‌کنند. ایده استقلال طلبی و حق تعیین سرنوشت معمولاً به عنوان یک نماد هویتی در همه‌جا اشاره به بی‌عدالتی علیه یک قوم بدون دولت و سامان سیاسی دارد، ولی اگر استقلال طلبی با حمایت بازیگران فرامنطقه‌ای، نهادهای حقوقی بین‌المللی و با سازوکاری قانونی همراه نباشد هرگونه اقدامی در این مسیر با شکست مواجه خواهد شد چون هر تحولی در تمامیت ارضی یک کشور، هم‌زمان می‌تواند برای آن کشور و کشورهای مجاور، هم دارای فرصت و هم دارای تهدیداتی باشد.

بر اساس ماده ۱ و ۲ منشور سازمان ملل متحد مبنی بر تعریف اصطلاح حق تعیین سرنوشت که در سال ۱۹۷۷ تصویب شد، حق تعیین سرنوشت به دو شکل می‌باشد: درونی و بیرونی. حق تعیین سرنوشت درونی به معنی حق مردم در داشتن حکومت دموکراتیک و نقش آن‌ها در حکومت است. حق تعیین سرنوشت بیرونی هم به معنای استقلال یک ملت از سلطه کشور بیگانه، استعمارگران و یا رژیم نژاد پرست است (منشور ملل متحد، ۱۳۸۲)، همچنین پاراگراف ۶ قطعنامه ۱۵۱۴ مجمع عمومی سازمان ملل هم بیان می‌دارد که حق تعیین سرنوشت نمی‌تواند طوری تفسیر شود که به تمامیت ارضی یک کشور آسیب برساند، در نتیجه مشاهده می‌شود که از دیدگاه سازمان ملل مسئله حق تعیین سرنوشت توجیه کننده تجزیه طلبی نیست، به عنوان مثال دیوان بین‌المللی دادگستری در دهه نود میلادی فراندوم تیمور شرقی مبنی بر استقلال از اندونزی را در ادامه روند استعمارزدایی دانسته بود، نه تجزیه طلبی و قطعنامه‌های ۱۵۴۴ مورخه ۱۹۶۰ و ۲۶۲۵ مورخه ۱۹۷۰ میلادی مصوب مجمع عمومی

^۱ Self-Determination

ملل متحد در همین رابطه صادر شد. در همین راستا و در اسناد گوناگون به ارزش حفظ تمامیت ارضی کشورها و نفی تجزیه طلبی اشاره شده است مانند: بند ۴ ماده ۸ بیانیه حقوق اقلیت‌های ملی یا قومی، مذهبی و زبانی ۱۹۹۲ مصوب مجمع عمومی ملل متحد؛ قطعنامه و برنامه کار وین ۱۹۹۳؛ ماده ۲۱ کنوانسیون کادر حمایت از اقلیت‌های ملی شورای اروپا مصوب ۱۹۹۴؛ قطعنامه ۱۹۶۴ سازمان وحدت آفریقا؛ رای کمیسیون حقوق بشر آفریقا در موضوع کاتانگا؛ ماده ۲۰ منشور آفریقایی حقوق بشر ۱۹۸۱ بطور ضمنی؛ پاراگراف ۶ قطعنامه ۱۵۱۴؛ پیوست ۲۳ کمیته حقوق بشر سازمان ملل؛ رای دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه اختلاف بورکینافاسو و مالی.

بنابر آنچه گفته شد، نه تنها در نظام حقوق بین‌الملل چیزی به نام تجزیه طلبی مشروع نیست بلکه در حوزه داخلی نیز تعیین تکلیف در این مورد تنها برعهده دولت مرکزی می‌باشد. در واقع در حقوق بین‌الملل این اجماع وجود دارد که حق تعیین سرنوشت هیچگاه برابر با تجزیه طلبی نبوده و حفظ استقلال، حاکمیت ملی و تمامیت سرزمینی کشورها یک "قاعده آمره" و ستون نظم بین‌المللی است و شکل‌گیری سازمان ملل متحد بر این موضوع استوار می‌باشد. قاعده آمره اساس نظم بین‌المللی است و امری است تخلف ناپذیر، لذا حقوق بین‌الملل که استقلال ملی و تمامیت سرزمینی کشورها را شامل چنین امری می‌داند هرگز تجزیه طلبی را به رسمیت نشناخته است. به همین دلیل تمامی دولت‌ها در برابر سازمان‌های جدایی طلب رویکردی خصمانه و پلیسی در پیش گرفته و دفاع در برابر اقدامات این سازمان‌ها را حق مشروع خود می‌دانند.

۱-۲-۳ راهکارهای مقابله با سازمان‌های جدایی طلب: برای حفظ امنیت و ثبات کشورها و جلوگیری از آسیب‌های جدایی طلبی و سازمان‌های تجزیه طلب راهکارهایی به شرح زیر توصیه می‌شود:

- از بین بردن تبعیض قومیتی در امور سیاسی - اجتماعی: از آنجا که نگاه‌های قومیتی و اقلیتی از مهم‌ترین دلایل شکل‌گیری سازمان‌های جدایی طلب است، عدم امکان مشارکت سیاسی اقوام در امور کشور به دلایل تبعیض آمیز قومی زمینه عمده اعتراضات و نارضایتی‌های قومیتی و تهدیدات علیه امنیت بشری را فراهم می‌کند. از طرفی دیگر پیدایش مشکل اقلیت‌های قومی در درون کشورها حاصل پیدایش ناسیونالیسم نوین نیز بوده است که هم باعث تقویت احساس همبستگی قومی اقلیت‌ها شده و هم احساسات ناسیونالیستی قوم و یا طبقه حاکم را تقویت کرده است که تهدیدی علیه امنیت ملی و تمامیت ارضی حکومت مرکزی محسوب می‌شود (Tugdar and others, 2018). از مهم‌ترین

عوامل ایجاد حس اعتراضات قومیتی، محرومیت نسبی است. محرومیت نسبی همان فاصله تصویری میان توانایی‌های فرد و توقعات وی است (سام‌دلیری، ۱۳۸۲: ۸۱۳). افراد هر قوم برخوردار از برخی توقعات و انتظارات را حق خود دانسته و تصور می‌کنند که می‌توانند توانایی‌های ارزشی را کسب و حفظ کنند. وقتی احساس محرومیت در افراد یک قوم ایجاد شود این اقوام محروم با تاکید بر هویت قومی و ویژگی‌های فرهنگی برای دستیابی به اهداف خود به اعتراضات و رفتارهای خشونت‌آمیز روی می‌آورند. نکته مهم این است که تبعیض یا محرومیت لزوماً به شورش ختم نمی‌شود بلکه تصور ذهنی و روانی این محرومیت، مهم‌ترین عامل در شکل‌گیری ایده جدایی‌طلبی است (محمدی و رضایی، ۱۳۹۹: ۲۴۱). افزایش مشارکت سیاسی اقوام در بدنه حاکمیت و همچنین عدم تبعیض در خدمت‌رسانی بین اقوام باعث عدم تشکیل حس محرومیت و همچنین تقویت حس میهن‌پرستی اقوام می‌شود.

- **هم‌گرایی و انسجام ملی:** اقلیت‌های قومی طبعاً دارای مشترکات فرهنگی، زبانی و تاریخی هستند که این عوامل زمینه خوبی جهت ایجاد حس همبستگی و نزدیکی اقوام به یکدیگر فراهم می‌کنند. سیاست دولت مرکزی نسبت به اقلیت‌های قومی باید تا آنجا که امنیت ملی و ثبات سیاسی دچار آسیب نمی‌شود، در جهت حفظ هویت فرهنگی آن‌ها باشد، به عبارت دیگر، ایجاد نوعی هم‌زیستی مسالمت‌آمیز مبتنی بر حفظ ممیزه‌های فرهنگی اقلیت‌ها و برجسته‌سازی مشترکات آن‌ها با یکدیگر. از سوی دیگر پذیرش هویت فرهنگی اقوام مختلف و میدان دادن به آن‌ها جهت انجام آداب و رسومات خود باعث تقویت حس میهن‌پرستی آنان نیز می‌شود.

- **جرم‌انگاری و برخورد پلیسی با تجزیه‌طلبان:** همان‌طور که پیشتر گفته شد مسئله تجزیه‌طلبی در مجامع بین‌المللی و مخصوصاً منشور سازمان ملل متحد به رسمیت شناخته نشده است، لذا این دفاع از امنیت و ثبات کشور حق مشروعی برای دولت هاست، در نتیجه ابتدا دستگاه قانون‌گذاری کشورها باید قوانین بازدارنده‌ای در جهت جلوگیری از تشکیل هر گونه سازمان جدایی‌طلب وضع کرده و سپس با قوه قهریه با مصادیق قانون‌شکنی در این حوزه برخورد کنند.

- **دشمن‌شناسی و خستی کردن توطئه‌های دشمنان:** ایجاد اختلافات داخلی در یک کشور و در نتیجه تجزیه کشور دشمن به کشورهای کوچک‌تر همواره یکی از تاکتیک‌های کم‌هزینه در مقایسه با حمله نظامی بوده است. این مسئله در مورد کشورهای طایفه‌ای و دارای قومیت‌های متعدد نظیر ایران

اهمیت دوچندان پیدا می‌کند (جباری و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۷۸). گراهام فولر^۱ قومیت‌ها را به عنوان پاشنه آشیل ایران معرفی کرده که دشمنان آن به دنبال استفاده از این اهرم فشار هستند (فولر، ترجمه مخبر، ۱۳۹۴: ۱۹). طرح تغییر نظام ایران با حمایت از جنبش‌های تجزیه‌طلب، مورد حمایت ویژه دونالد ترامپ نیز بود و همچنین در طرح ویژه اندیشکده امنیتی گروه اس.اس.جی بخش قابل توجهی از بودجه ۷۵ میلیون دلاری کنگره آمریکا به شبکه‌های ضد ایرانی تجزیه‌طلب اختصاص یافت (خبرگذاری مشرق، ۱۳۹۷). بنابراین لازم است کشورهای در معرض خطر تجزیه‌طلبی نسبت به طرح‌های دشمنان هشیار بوده و یک دیپلماسی قوی و بازدارنده در سطح بین‌المللی ایجاد کنند.

نتیجه‌گیری

با گسترش فرایند جهانی شدن در اواخر قرن بیستم و در پی آن گسترش مردم‌سالاری، سهم مردم در تصمیم‌گیری‌ها افزایش یافت و در نتیجه نهادهای جدیدی در کشورها تحت عنوان سازمان‌های غیردولتی یا سازمان‌های مردم‌نهاد (NGO) شکل گرفتند که مشخصه بارز آن‌ها غیردولتی بودن، غیرانتفاعی بودن و حضور داوطلبانه مردم در آن‌هاست. علی‌رغم مزایا و محاسن این سازمان‌ها، آسیب‌هایی آن‌ها را تهدید می‌کند که خشونت‌گرایی یکی از عمده‌ترین این آسیب‌هاست. از جمله مهم‌ترین عوامل پیدایش و استمرار بازیگران غیردولتی خشونت‌آمیز می‌توان به ۲ عامل مکتب فکری (ایدئولوژی) و جدایی‌طلبی است، از نوع اول می‌توان به سازمان‌های جهادی سلفی و سازمان‌های چریکی مارکسیستی و از نوع دوم به حزب دموکرات کردستان اشاره کرد. تبدیل این سازمان‌ها به سازمان‌های خشونت‌گرا در واقع نوعی واکنش به مسائل گوناگونی مثل فهم ظاهری از متون مقدس، مادی‌گرایی و الحاد، سرخوردگی ناشی از عقب ماندگی تاریخی، گسترش امپریالیسم و استعمار بیگانگان، تبعیض و بی‌عدالتی می‌باشد. از آنجا که شکل‌گیری این سازمان‌های خشونت‌گرا زمینه‌ساز وقوع بحران امنیتی در کشورها خواهد شد لازم است اقدامات لازم جهت مقابله با آن‌ها انجام بگیرد. از جمله راهکارهای موثر برای جلوگیری از ایجاد سازمان‌های خشونت‌گرای ایدئولوژیک، ابتدا راهکارهای فرهنگی نظیر اصلاح اندیشه و رفع شبهات فکری، آموزش و پرورش صحیح در دوران کودکی، تقویت معنویت‌گرایی و وحدت ادیان و مذاهب توصیه می‌شود و در مرحله بعد، راهکارهای اجتماعی-سیاسی نظیر از بین بردن تبعیض و برقراری عدالت اجتماعی، افزایش مشارکت سیاسی همه

¹ Graham E.Fuller

اقوام و مذاهب در بدنه حاکمیت، هم‌گرایی، دشمن‌شناسی و خشتی‌سازی توطئه آن‌ها و همچنین جرم‌انگاری و برخورد پلیسی با عوامل بی‌ثبات‌کننده. با توجه به این که قواعد حقوق بین‌الملل در جهت حفظ امنیت و ثبات کشورها بوده و نهادهایی مثل دیوان بین‌المللی کیفری برای آن وجود دارد، ایجاد اجماع بین‌الملل در جهت مقابله با سازمان‌های خشونت‌گرا و همکاری دولت‌ها برای مقابله با خشونت‌گرایی می‌تواند نتیجه خوبی به همراه داشته باشد.

منابع

- آجیلی، هادی، بیکی، هادی (۱۳۹۲). کالبد شکافی سبک زندگی در نظام سرمایه داری. فرهنگ مشاوره و روان درمانی. ۴(۱۳)، ۸۱-۱۱۰.
- احمدزاده، مسعود (۱۳۵۸). مبارزه مسلحانه، هم استراتژی هم تاکتیک. تهران: ستیغ.
- اصغری، عبدالرضا و روستائی، سجاد (۱۳۹۵). تکفیر، از مبانی ممنوعیت فقهی تا ضرورت جرم انگاری. آموزه های حقوق کیفری، ۱۳(۱۱)، ۱۸۹-۲۲۰.
- بیات، عبدالرسول (۱۳۸۶). فرهنگ واژه ها. تهران: اندیشه و فرهنگ دینی.
- جباری، ولی. محمدیان، مهرداد و رشیدی آل هاشم، محمدرضا (۱۴۰۰). واکاوی نقش نیروهای خارجی بر گرایشهای قومی در مناطق آذری نشین ایران. مطالعات ملی. ۲۳(۱)، ۱۸۹-۱۶۹.
- جعفر کوشا و پیمان نمایان (۱۳۸۷). جایگاه اعمال تروریستی در پرتو حقوق بین الملل کیفری. دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران. ۳۸(۳)، ۲۳۳-۲۵۶.
- جمعی از نویسندگان. اسناد جنبش اسلامی (۱۳۵۷). تهران: ابوذر.
- حاجی خانی، علی و جلیلیان، سعید (۱۳۹۷). روش مقابله با جدایی طلبان در نهج البلاغه با محوریت رویکرد تقابلی امام علی (ع) با اقدامات معاویه. پژوهشنامه نهج البلاغه. ۶(۲۳)، ۵۸-۳۹.
- خبرگزاری ایرنا (۱۴۰۲). بیشترین شهدای فعالیت های تروریستی منافقین. <https://www.Irna.ir/amp/84452642>
- خبرگزاری تسنیم (۱۳۹۳). قصابی وحشیانه دموکرات در نرده. <https://www.tasnimnews.com/fa/news/1393/02/17/362318>
- خبرگزاری مشرق نیوز. <https://mashreghnews.ir/news/855594>
- دانشیار، علیرضا (۱۳۹۳). چالش های جریان های تکفیری و راهکار های مقابله با آن از دیدگاه مقام معظم رهبری. حبل المتین، ۳(۹)، ۷۵-۱۰۰.
- دفتر حفظ و نشر آثار آیت الله خامنه ای (۱۳۹۲). بیانات رهبری در کنفرانس وحدت اسلامی. <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=25056>

دفتر حفظ و نشر آثار آیت الله خامنه‌ای (۱۳۹۳). بیانات رهبری در دیدار مسئولان نظام و سفرای

کشور های اسلامی. <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=26542>

دفتر حفظ و نشر آثار آیت الله خامنه‌ای (۱۳۹۲). بیانات رهبری در دیدار کارگزاران حج.

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=23963>

روزبه، خسرو. معنوی، مسعود و نیک آیین، امین (۱۳۴۰). *واژه های سیاسی، واژه های نو*. تهران: انتشارات پژوهش.

زرشناس، شهریار (۱۳۸۹). *سرمایه سالاری (کاپیتالیسم) مروری کالبد شکافانه بر ماهیت و تطور تاریخی*. تهران: کتاب صبح.

سام دلیری، کاظم (۱۳۸۲). *سنجش محرومیت نسبی در نظریه تدرابرت گر*. مطالعات راهبردی.

۸۱۳-۸۲۹، (۲۲)۶

سایت کوردستان کورد. برنامه و اساسنامه حزب دموکرات کوردستان

<https://fa.kurdistanukurd.com/?p=207>.

شبکه الجزیره (۲۰۱۵). مسئول ایجاد داعش.

<http://www.aljazeera.com/programmes/headtohead/2015/07/blame-isil-150728080342288.html>

علیپور، جواد. قیطاسی، سجاد و دارابی، مهدی (۱۳۹۲). تأثیر اندیشه های ابن تیمیه بر خطوط فکری و خط مشی گروه های سلفی - تکفیری. *اندیشه سیاسی در اسلام*. ۴ (۱۲). ۳۵-۶۲.

غفاری، هشجین زاهد و علیزاده، سیلاب قدسی (۱۳۹۳). مولفه های فرهنگ سیاسی جریان سلفی

تکفیری (مطالعه موردی: داعش). *مطالعات سیاسی جهان اسلام*. ۳ (۱۱)، ۸۹-۱۱۱.

فاخری، مهدی (۱۳۹۳). بازیگران ملی و فراملی در روند جهانی شدن. *مطالعات راهبردی*

سیاست‌گذاری عمومی. ۵ (۱۴)، ۴۵-۸۲.

فولر، گراهام (۱۳۹۴). *قبله عالم، ژئوپلتیک ایران*، ترجمه عباس مخبر. تهران: نشر مرکز.

گل محمدی، علی (۱۳۹۱). محمد رشید رضا، در کتاب *اندیشه سیاسی متفکران مسلمان* (جلد

۱۱). تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.

مارکس، کارل و انگلس، فردریش. ترجمه مسعود صابری (۱۴۰۱). *مانیفست کمونیست*. تهران:

طلایه پرسو.

مارکس، کارل. ترجمه عبادیان، محمد و قاضی مرادی، حسن (۱۴۰۰). نقد فلسفه حق هگل. تهران: نشر اختران.

محمدی، شعبان و رضایی، احمد (۱۳۹۹). بررسی تاریخی و جامعه شناختی شکل گیری پانترکیسم در آذربایجان ایران. *مطالعات اجتماعی اقوام*. ۱(۱)، ۲۵۶-۲۳۶
 مطهری، مرتضی (۱۴۰۲). *انسان و ایمان*. صدرا: تهران.

منشور ملل متحد و اساسنامه دیوان بین المللی دادگستری (۱۳۸۲). تهران: مرکز اطلاعات سازمان ملل متحد در تهران.

میرزایی، داوود. جاودانی مقدم، مهدی. پرزاد، رضا (۱۴۰۱). تحلیلی بر پیشینه شکل گیری و رشد سلفی گری و بازتاب آن در جهان اسلام. *پژوهش های سیاسی و بین المللی*. ۱۳(۵۳). ۴۴-۲۱.

وبسایت مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی. <https://taghrib.org/fa>.

Bearé Margaret, E. (2012). *Encyclopedia of Transnational Crime and Justice*, SAGE Publications.

Ezrow, N. (2017) *Global Politics and Violent Non-State Actors*, London: Sage Publishers, Part III.

Global Terrorism Database at the University of Maryland (2018), *A Persistent Threat: The Evolution of al Qaida and other Salafi Jihadists*. University of Maryland.

Pavković, A. (2015). "Secession: a much contested concept". *Territorial Separatism in Global Politics: Causes, Outcomes and Resolution*, Edited by Damien Kingsbury, Costas Laoutides. Routledge, pp.13-28.

Sarah Bockhoff, Tim Krieger and Daniel Meierrieks (2015). "Great Expectations and Hard Times: The Impact of Education on Domestic Terrorism", (*Conflict Resolution, USA*.2015).

Tugdar, E. E., & Al, S. (2018). *Comparative Kurdish Politics in the Middle East: Actors, Ideas, and Interests*, London, p57: Palgrave.

Vakil Anna C. (1997). "Confronting the Classification Problem: Toward a Taaonomy of NGO" *World Development*, Vol 25 , n.12.

Wellard kate & Copestake James G. (1993). "Non Governmental Organizations and the State in Africa: Rethinking Roles in Sustainable Agricultural Development", (Rout Ledge, USA, 1993).

Yesiltas, M. and T. Kardas (2018), *Non-State Armed Actors in the Middle East: Geopolitics, Ideology, and Strategy*. London: Palgrave Macmillan.